

## موضوع :

### خانه ای برای ارتقا خلاقیت کودکان

حجم زیادی از اطلاعات به وسیله بررسی های میدانی و مواجهه مستقیم با کودکان در محیط های مختلف، گرد آمده است که بخشی را مصاحبه با کودکان، پرسشنامه ها، ثبت رفتار، حرکات و بازی های آنها و بخشی دیگر را ثبت ذهنیات کودک بوسیله نقاشی، تصویرسازی، ساخت مجسمه و یا توصیف نوشتاری تشکیل می دهد. پس از مرحله شناخت در نهایت نقش فضای زندگی به خصوص فضای خانه بر رشد خلاقیت ارائه می گردد.

کلید واژه :خلاقیت ، عوامل محیطی ،ارتقا خلاقیت کودکان ،معماری ، خانه

## نویسنده :

فاطمه الیاسی (کارشناس ارشد معماری و مدرس موسسه آموزش عالی غیرانتفاعی آیندگان تنکابن)

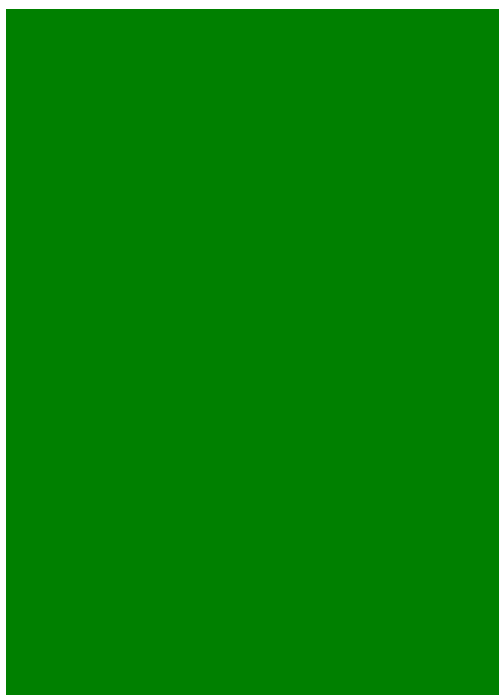
E-mail : [Elvasy\\_arc@yahoo.com](mailto:Elvasy_arc@yahoo.com)

تلفن همراه : ۰۹۱۲۷۸۰۳۷۱۵

## چکیده :

فضاهای مختلف زندگی کودکان ما بیشتر باعث از بین رفتن خلاقیت آنها می شود. فضاهای کوچک و شلوغ و بی رنگ و ... مانع ذوق و شوق کودک برای ورود به آنها می شود. این فضاها آدم های امروز و فردا را می سازد. بسیاری از آنها به روز قبل عادت کرده و تلاشی برای دوباره آفریدن و خلق کردن امروز ندارند. پویایی آنها در کنکاش زندگی ماشینی از دست می رود و کمتر رمقی برای خلاقیت آنها باقی می ماند .

نسل آینده نیز در همین فضاها رشد می یابند. پس ضروری است با تکیه بر رشد خلاقانه نسل بعد، به خلاقیت در دوران کودکی پرداخت. این مقاله بر آن است تا با بررسی و تبیین نقش محیط در پرورش خلاقیت کودکان، عوامل محیطی موثر بر آن را بازنمایی نماید. در این راستا با دقت در زندگی روزانه کودک، درک او از محیط بازشناسی می گردد. سپس خانه مرتبط با کودک، مورد کنکاش قرار می گیرد و در نهایت به ارائه راهکارهایی، هرچند ساده، جهت مناسب سازی فضاهای زندگی وی، پرداخته شد سوال های زیر به طور طبیعی در مورد خلاقیت به ذهن متبادر میشود :خلاقیت چیست؟ آیا خلاقیت را می توان پرورش داد؟ فضاها تا چه اندازه در بروز خلاقیت موثر هستند؟





## مقدمه :

سال، دیگر به نکات ظریف و دقیق گذشته بی تفاوت شده و وارد جامعه یکنواخت و عادت زده امروزی میشود. ما بزرگسالی که در کودکی خود را خلاق می دانستیم دچار نوعی رخوت و روزمره گی شده ایم؛ ولی هنوز به دنبال ایده ای جدید و تفکر نو و خلاق هستیم. اینجاست که باید بدانیم خلاقیت چیست و آیا میتوان به کودکان کمک کرد که خلاق رشد کنند؟

لزوما کارهای خلاق نیاز به استعدادهای خارق العاده ندارد و کار و گفتاری خلاقانه است که حداقل دو شرط زیر را دارا باشند .

۱- با کارهایی که کودک قبلا انجام داده و چیزهای که دیده و شنیده متفاوت باشد (تازگی)

۲- صحیح بودن و در جهت رسیدن به یک هدف مفید باشد و جذاب و معنی دار باشد (متناسب)

خلاقیت قابلیتی است که در همگان وجود دارد اما نیازمند پرورش و تقویت می باشد تا به سر حدشکوفایی برسد . فرد خلاق کسی است که از ذهنی جستجوگر و آفریننده برخوردار باشد. خلاقیت عبارت است از «توانایی دیدن چیزها به شیوه های جدی، شکستن مرزها و فراتر رفتن از چارچوب ها، فکر کردن به شیوه ای متفاوت، ابداع چیزهای جدید، استفاده از چیزهای نا مربوط و تبدیل آن به شکل های جدید .»می توان نتیجه گرفت که خلاقیت برآیند فرآیندهای ذهنی و شخصیتی فرد بوده و به تولیدات و آثاری منجر می شود که نو و بدیع بوده، خاصیتی متکامل داشته و با واقعیتها، منطبق بوده و در غایت به سود جامعه بشری هستند.

کودک با تمام جنب و جوش و علاقه خود به دانستن و کشف کردن به این جهان قدم می گذارد و پس از چند

## عوامل موثر در خلاقیت

تغییر افراد و عادات آنها در بزرگسالی هنگامی که این رفتار جزئی از عادات شخصی فرد شده است بسیار سخت و گاهی ناممکن است. در نتیجه به نظر میرسد باید از انطباق پذیری بیش از حد (و به معنای دیگر عادت کردن) و یا روزمره شدن در سن کودکی، جلوگیری نمود.

### نگاه پژوهش به خلاقیت و محیط

از دیدگاه این پژوهش، برای شکوفایی خلاقیت کودکان می بایست سه کار را به انجام رساند:

اول: محیط را ارزشمند کرد (محیطی که شرایط و بستر لازم را برای کاویدن و جستجو کردن فراهم می آورد)

دوم: کودکان را به مشاهده و خوب دیدن محیط، ترغیب نمود. تا بتوانند به نکات و حکمت های نهفته در محیط، توجه کنند.

سوم: برنامه و فعالیت های روزانه زندگی را به گونه ای کرد که شرایط بهره مندی از فضا و کالبد را فراهم کند.

### شناخت کودک

اولین گام برای پرداختن به محیط کودکان، شناخت دقیق آنها در سنین مختلف است. یکی از معتبرترین دسته بندی ها توسط پیاژه مطرح شده است که دوران عمومی رشد فکری کودک را به سه دوره بزرگ تقسیم می کنند:

دوره اول کودکی (دوره هوش حسی - حرکتی)، دوره دوم کودکی (دوره اعمال محسوس و مشهود)، دوره سوم کودکی (دوره فعالیت ها یا اعمال نظری)

از سوی دیگر زمینه های رشد در هر دوره در سه شاخه قابل بررسی است:

رشد حرکتی، رشد عاطفی - اجتماعی، رشد شناختی

جهت شناخت کامل ارتباط کودک و محیط، شناخت اسنادی کافی به نظر نمیرسد حجم بسیاری از اطلاعات به وسیله بررسی های میدانی و مواجهه ی مستقیم با کودکان گردآمده است. در این بخش برای نمونه، به

عوامل مختلفی بر خلاقیت افراد موثر است که مطرح کردن یکایک آنها از موضوع این مقاله به دور است. لیکن مطرح نمودن دو دسته کلی از عوامل یعنی عوامل فردی و عوامل محیطی ضروری است. منظور از عوامل فردی، عواملی نظیر ویژگی های شخصیتی و انگیزه ی درونی است. از سوی دیگر، بین انگیزه های شخصی و خلاقیت ارتباطی قوی وجود دارد که قسمت زیادی از این گرایش را محیط یا حداقل جنبه های خاصی از محیط تعیین می کند که منظور از آن تنها محیط فیزیکی اطراف فرد نیست. به طور مثال برای یک کودک، منظور از محیط، کلیه عوامل محیطی از جمله کالبدی (زندگی)، محیط خانواده، محیط آموزشی و حتی نظام و برنامه ی آموزشی نیز می باشد که در این مقاله (به طور خاص) به محیط کالبدی فرد پرداخته می شود.

میزان و سطح بهینه تحریکات محیطی برای همه افراد و همه سنین مختلف یکسان نبوده و تحت تأثیر ویژگی های فردی افراد، متغیر می باشد. تغییر سطح بهینه ی تحریکات محیطی، انطباق پذیری نامیده می شود. انطباق پذیری موجب تغییر پاسخ یا عکس العمل شخص نسبت به تحریکات محیطی طی زمان می گردد. هر چند انطباق پذیری یک مکانیزم مفید و مؤثر برای مواجهه با شرایط نامناسب محیطی است و این مکانیزم در گذشته، شرایط و زمینه های بقای بشر را فراهم نموده است، اما بدین ترتیب انطباق پذیری، گاه پی آمدهای منفی دارد. همواره بین فضای زندگی مطلوب و فضای زندگی قابل تحمل، فاصله است. افزایش تدریجی تحمل کاربران آن محیط، این فاصله را نیز افزایش می دهد. از جمله تأثیرات منفی انطباق پذیری، می توان به انطباق تدریجی مکانیزم بدن انسان با آلودگی هوا و آلودگی صوتی، اشاره کرد. این انطباق (تحمل یا عادت) در خصوص ویژگی های بصری محیط نیز صدق می کند. پس به دیده ی انطباق پذیری بایستی به دقت اندیشید و از خطرات آن، غافل نماند. هنگامی که به نظر می رسد افراد با شرایط محیطی خود انطباق پیدا کرده یا به عبارتی به آن عادت پیدا کرده اند، دقیقاً همان هنگام است که بایستی نگران خطرات و پی - آمدهای دراز مدت این انطباق بر خلاقیت فرد باشیم.

انعکاس بخشی از این مطالعات در قالب بررسی نقاشی و احجام کودکان می پردازیم :

در یکی از مراحل پژوهش از کودکان خواسته شد تا خانه خود را ترسیم کنند. تصاویر حاصله به دو دسته کلی تفکیک شدند. دسته اول شامل نقاشی های معمولی از خانه بود ( یک خانه با شیروانی و دودکش ، یک درخت و تعدادی گل) که عمدتاً کودکان بزرگتر به این سبک نقاشی کرده بودند . دسته دوم در برگیرنده ی نقاشی های خاصتری بود که مشخصه های محیط تا حدی در آنها دخیل شده است . با بررسی دسته دوم موارد زیر استنتاج شده است :

معمولاً کودکان با شنیدن موضوع خانه ، فرم همیشگی خانه ها در نقاشی هارا به ذهن می آورند . لذا دسته دوم برای تطابق با فضای ذهنی خود ، اجزایی را به آنها اضافه می کند . به عنوان مثال ، با وجود اینکه خانه هایشان شیروانی نیست ، آنها را شیروانی رسم می کنند و بعد عناصر دیگر را به سقف اضافه می کند.

کودکان در این سن محیط خانه را جدا از اشیا و افراد نمی دانند.

کودکان آرزوهای خود را در تصور از خانه دخیل می کنند. یعنی در بسیاری از موارد ، برای به تصویر کشیدن خانه ، خانه آرزوها و ایده آل خود را ترسیم می کنند.

کودکان در این سن احجام را به درستی درک می کنند. بنابراین در ترسیمات از سمبل هایی برای خانه ، اتاق ها و .... استفاده می کنند.

اشیاء در نظر کودکان بیش از فضاها اهمیت دارند؛ در نتیجه کودکان فضاها را با توجه به اشیا درون آنها ترسیم و معرفی می کنند.

کودکان در پاره ای از موارد امکان تفکیک مابین اجزا و عناصر خانه یا عناصری که در کنار یا نزدیک خانه رؤیت می شود را ندارند. در این نقاشی ها دیده می شود که چراغ راهنمایی چهارراه یا پارک کناری و یا حتی مغازه ای که بادکنک می فروشد را جزء خانه خود ترسیم می کند (با توضیحات کودکان روشن می شود که آنها را نه مربوط به مسیر و اطراف خانه بلکه جزء خانه خود می داند

در مرحله بعد مجدداً از کودکان خواسته شد تا یکبار خانه و یکبار اتاق خود را با گل بسازند ؛ کارها باز هم دو دسته بود و در کارهای کودکان کم سن و سال تر ، اطلاعات بیشتری از تصورات فضایی کودک نهفته بود . در طرح های حاصله نتایج جالبی وجود داشت:

کودکان نسبت به مرحله قبل یعنی نقاشی خانه آزادانه تر فکر کردند و کمتر پیرو غالب همیشگی خانه بودند .

کودکان ، حجم فضاهایی را به خوبی درک نمی کنند و به اشیاء موجود در آن فضاها بیشتر توجه دارند ، برای آنها فضا ، مجموعه ای از اشیاء است .

کودکان توان تفکیک فضاهای داخلی و خارجی را ندارند . لذا عناصر خارجی (نانوایی ، چراغ راهنمایی ، پلیس و ... ) را داخل منزل و جزئی از آن می دانند .

عمدتاً جزئیات فضا برای این کودکان ، مقدم بر کلیت آن است ( به عنوان مثال در یکی از نمونه ها ، چوب پرده را ساخته ، در حالی که از اتاق چیزی نساخته است)

کودک گاهی نگاهی سمبلیک دارد و یک عنصر را به عنوان نماد خانه می شناسد ( به طور مثال در یکی از نمونه ها ، تنه درختی که دورش سنگچین شده است، نماد خانه آنهاست )

کودک برای شناسایی و معرفی فضا ، از تمام حواس خود بهره می گیرد؛ لذا گاهی به نمادی که حاصل حسی غیر از بینایی است اشاره می کند. (به طور مثال ، هواپیمایی را که دائم صدای آن را می شنود به عنوان نماد خانه می شناسد.)

عناصری که در حال حرکت یا رشد هستند ، ذهن کودک را بیشتر به خود جلب می کند.

### دریافت حسی و هوشی فضای معماری

ادراک فضا کار بسیار دشواری است کودک باید در عین حال هم خود را از دنیای اطرافش تمیز دهد و هم این دنیا را تجربه کند و تجزیه و تحلیل کند. این عمل را بوسیله شناختن اشیا اطرافش انجام می دهد و برای موفقیت در این تجربه او به همه احساس و هوشش نیاز دارد. فرایند

تطابق در طی چند سال سعی و کوشش به ثمر می رسد اما تملک ذهنی در آستانه بلوغ میسر می شود.

کودک باید در برخورد با احجام و بناها و همین طور در ارتباط و زندگی درونی آنها احساس راحتی عدم ترس و آرامش کند. تاریکی و فرمهای نامتناسب بیش از هر چیز او را می ترساند. فضاهایی با رنگهای شاد و روشن و گاهی با فرمهای نامشخص مثل حالتی که در نقاشی با آبرنگ دیده می شود که موضوعات رویایی را القا می کند و در کودک احساساتی چون عاطفه، رفیق بودن، مهربانی و رویایی را القا می کند.

نکته اساسی این است که فضا و ساختمان طراحی شده باید با روحیه کودک رابطه رنگی، خطی، شکلی و فضایی داشته باشد. رنگهای استفاده شده در بنا درجه حرارت ویژه ای به فضا می دهد چنان که یک مجموعه رنگ فضایی را گرم یا سرد می سازد، معمار نباید غلیظ فکر کند چرا که از ذهن غلیظ او معماری غلیظ و سخت با درک و فهم سخت تر و رنگهایی با چگالی بالاتر تراوش می کند البته نباید مجموعه ای از رنگهای زنده و شفاف و فرمهای بسیار آزاد و رها و بدون هویت شخصی را برای کودک در کنار هم قرار داد و طراحی کرد چرا که خیال بافی را در کودک تقویت می کند. فضای معماری باید ارزشهای کیفی افزودنی داشته باشد و مخیله کودک را به اوج های جدید برساند(در نظر گرفته شود که خیال پردازی از خیال بافی جداست که اولی امر مثبت و دومی منفی است به هر صورت معمار نباید فراموش کند که مخاطب او هنوز کودک است و دنیای ظریف و فوق العاده ضربه پذیری دارد. در این خصوص معماری تفکر انگیز و الهام بخش مورد نیاز است، یعنی خلق فضاهایی با استفاده از تمهیدات بصری و هویتی معمارانه که در بچه ها ایجاد تفکر و تخیل کند، فضاها با رنگهای جدی تر و تک رنگ(اما از رنگهای تیره استفاده نشود). باید اصول و قواعد زیبایی شناسی را تا حد ممکن در نظر گرفت و هیچ عملکرد یا مفهومی در فضا وجود نداشته باشد تا دال بر کوچک پنداری باشد و اندیشه موج یعنی اندیشه ای که حق جولان، رفت و برگشت، دور و نزدیک شدن را دارد و اسیر و محبوس نیست را در او رواج دهد.

فضا باید به گونه ای طراحی شود که القا کننده نوعی حرکت جنبش، پرواز و زندگی باشد و بطور عینی و ذهنی پویا باشد از سکون و ماندگی و مرگ خبر ندهد و مخیله را به اوجهای جدیدی برساند.

### کودک، فعالیت یا معماری

برای بچهها مشکل است که بتواند فرق میان ساختمانهای اطراف، دنیای مردم و فعالیتها را هنگام ارزیابی موقعیتها، تشخیص دهند. آنها همه چیز را بیشتر از یک کلیت می بینند. با توجه به این مسئله تا سن خاصی برای کودکان، مردم و فعالیتها، نسبت به معماری، اهمیت بیشتری دارد.

بچهها به طور قابل ملاحظه ای، بسیار جامع تر به ویژگیهای کاربردی توجه می کنند. تا کیفیتهای طراحی دست ساز انسان در محیط، زیبایی اشیاء ویژگی کاربردی را تقویت می کند و افزایش می دهد. طبیعت با تنوعی که در زندگی و کار ایجاد می کند، همراه ویژگیهای خود، نسبت به معماری رقیبهایی برای بچهها به شمار می آید. این مسأله توسط نظریات بچهها نیز تأیید شده است طبیعت مکمل لازم و حیاتی برای محیط دست ساز انسان می باشد.

بچهها فعالانه با همه چیز در زندگی و خود را وفق می دهند و تمایل دارند که در همه جا و همه چیز شرکت کنند. لذا تعجبی ندارد که دوست دارند در زندگی روزمره و شکل دادن به محیط دست ساز انسان و ایجاد تغییرات در آنها شرکت کنند. آنها از سازگار شدن با شرایط از پیش تعیین شده، زیاد احساس رضایت نمی کنند. برخی از شرایط می تواند باعث شود که سازگاری و امکان مشارکت کودکان تقویت شود.

خلاقیت کودکان به سلسله مراتب مناسبی از رویدادهای معماری، نیازمند است که باعث می شود آنها را در انگیزه و پیشرفت و رشدشان را توسعه دهد.

## نتیجه گیری

زمین های بازی ماجراجویانه برای طبیعت و کنجکاو و فعال کودکان لازم است زیرا که آنها که به تخریب کردن و ساختن علاقه دارند .

در نظر گرفتن مکانهایی برای نگهداری حیوانات اهلی می توانند ملایم بودن ، مشارکت و مراقبت کردن را از طریق تماس با آنها فرا گیرند .

بهتر است فضای خارجی برای موسیقی آنها در نظر گرفت که لوازم موسیقی به عنوان بخشی از طراحی در آن باشد مانند سنج، زنگ و سطوحی که با ضربه چکش و توپ صدا ایجاد کند .

### منابع و مآخذ :

الیاسی، فاطمه پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین

آرام فرد - منصوره - "راههای پرورش خلاقیت در کودکان" - موفقیت - ۱۳۸۰ - دوره ۴ شماره ۴۲ - صفحه ۲۴-۲۵

دکتر آما بلی، ت، ۱۳۷۵، شکوفایی خلاقیت کودکان، دکتر حسن قائم زاده - پروین عظیمی، تهران، نشر دنیای نو پارسا محمد - روانشناسی رشد کودک و نوجوان - نشر بعثت ۱۳۷۰

صبحی قرا ملکی، ناصر، "خلاقیت و روشهای پرورش آن در کودکان" رشد تکنولوژی آموزشی، اسفند ۷۸ دوره ۱۵، شماره ۶ صفحه ۳-۹

روانشناسی کودک و اصول تربیتی جوانان نویسنده: ژان پیازه پیر هانری سیمون ترجمه: عنایت الله شکیبایور ناشر: کتابفروشی نیما تاریخ چاپ: ۱۳۶۶

قاسم زاده، فاطمه، "کودک و خلاقیت"، ماهنامه جامعه سالم، دی ماه ۱۳۷۰، دوره ۱ شماره ۳ صفحه ۴۴-۴۵ کرونر، والتر، ۱۳۸۵، معماری برای کودکان، ترجمه دکتر احمد خوشنویس، مهندس المیر امیر رحمتی، گنج هنر پیازه ژان-اسین هلدنر، باربل، روانشناسی کودک، ترجمه زینت توفیقی. نشر نی ۱۳۷۳

یکی از منابع مهم الهام برای معماری کودکان شناخت رفتار و واکنش های کودکان است. کودک برای رشد، قبل هر چیز به ارضای عاطفی و احساس پیوند با محیط فیزیکی و اجتماعی خود نیازمند است. بنابراین مشخصه محیط مناسب، وجود محرک ها و انگیزه های لازم و منطبق با هر مرحله رشد کودک است. مسئله مهم دیگر وضوح و خوانایی محیط برای کودک است محیطی که به سهولت درک شود. ما معماران باید فارغ از محدودیت های طرح ها و نقشه های شهر سازی تخیلات کودکی را در ذهن ایجاد کرده و راههای به نمایش گذاشتن این تصورات و تخیلات را پیدا کنیم . نمونه هایی از آن عبارتند از:

معماری برای کودکان ۳-۱ ساله باید آسان و بدون ریزه کاری و برای کودکان ۴-۶ ساله باید در عین واقعگرایی؛ خیال انگیز باشد و از رنگهای شاد و سبک استفاده شود. برای کودکان ۷-۹ ساله به واقعگرایی میرسد و او متوجه می شود که اشیا با تصویر ظاهری آن فرق می کند و معماری برای رشد خلاقیت ۱۰-۱۲ سال کمی ریزه کاری و پیچیده گی دارد.

طبیعت (خورشید، آب، آتش، حیوانات) را دوست دارند و به کشف قوانین طبیعی تمایل دارند.

کودکان فضاهای بزرگ را برای فعالیت های پر تحرک و فضای کوچک را برای خلوت گزینی دوست دارند.

تنوع پذیری عناصر طبیعی در ارتقا خلاقیت کودک موثر است

فضاهایی برای بازی تخیلی نیاز دارند که از این طریق میتوان باعث رشد اجتماعی آنها شد

بهتر است مقیاس عناصری مانند درها، پنجره ها و پله ها و ... را متناسب با ابعاد بدن آنها طراحی کنیم که احساس استقلال در انجام کارهایشان را داشته باشند .

ایجاد فضاهایی که بتوانند روی در و دیوار و کف آن نقاشی کنند.